



اینجانب مهدی اسکندری دامنه به شماره دانشجویی ۹۶۰۰۳۰۴ دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق گرایش جزا و جرم شناسی که در تاریخ..... از پایان‌نامه خود تحت عنوان: مبانی فقهی و حقوقی امحاء کالای

قاچاق

با کسب درجه..... دفاع نموده‌ام، شرعاً و قانوناً متعهد می‌شوم:

(۱) مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل تحقیق و پژوهش اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و

پژوهشی دیگران اعم از پایان‌نامه، کتاب، مقاله و غیره استفاده نموده‌ام، رعایت کامل امانت را نموده. مطابق

مقررات. ارجاع و در فهرست منابع مآخذ اقدام به ذکر آنها نموده‌ام.

(۲) تمام یا بخشی از این پایان‌نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم‌سطح، پایین‌تر یا بالاتر) در سایر

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

(۳) مقالات مستخرج از این پایان‌نامه یا رساله کاملاً حاصل کار اینجانب بوده و از هرگونه جعل داده و یا تغییر

اطلاعات پرهیز نموده‌ام.

(۴) از ارسال همزمان و یا تکراری مقالات مستخرج از این پایان‌نامه (با بیش از ۳۰ درصد همپوشانی) به نشریات و

یا کنگره‌های گوناگون خودداری نموده و می‌نمایم.

(۵) کلیه حقوق مادی و معنوی حاصل از این پایان‌نامه متعلق به دانشگاه میباید بوده و متعهد می‌شوم هرگونه

بهره‌مندی و یا نشر دستاوردهای حاصل از این تحقیق اعم از چاپ کتاب، مقاله، ثبت اختراع و غیره (در زمان

دانشجویی و یا بعد از فراغت از تحصیل) با کسب اجازه از تیم استادان راهنما و مشاور و حوزه پژوهشی دانشگاه

باشد.

(۶) در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه میباید از درجه اعتبار ساقط و

اینجانب هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی دانشجو: مهدی اسکندری دامنه



دانشگاه میبد
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان
مبانی فقهی و حقوقی امحای کالای قاچاق

استاد راهنما
دکتر حمید روستایی صدرآبادی

استاد مشاور
دکتر محمدرضا رحمت

پژوهش و نگارش
مهدی اسکندری دامنه

ماه ۱۳۹۹

تقدیم به

-آخرین فرستاده برحق خداوند، حضرت محمد (ص) و خاندان پاک ایشان و تمامی شهدای گرانقدر.

-ماحصل آموخته‌هایم را تقدیم می‌کنم به آنان که مهر آسمانی‌شان آرام‌بخش آلام زمینی‌ام هست.

- به استوارترین تکیه‌گاهم، دستان پرمهر پدرم و به سبزترین نگاه زندگیم، چشمان مهربان مادرم که

هرچه آموختم در مکتب عشق شما آموختم و هرچه بکوشم قطره‌ای از دریای بیکران مهربانی‌تان را سپاس

نتوانم گفت. امروز هستی‌ام به امید شماست و فردا کلید باغ بهشتم رضای شما. ره‌آوردی گراسنگ‌تر از این

نداشتم تا به خاک پایتان نثار کنم. باشد که حاصل تلاشم نسیم‌گونه غبار خستگی‌تان را بزدايد. در برابر

وجود نازنینتان زانوی ادب بر زمین مینهم و با دلی مالمال از عشق و محبت بر دستانتان بوسه می‌زنم.

-تقدیم به برادران مهربان و عزیزم، همراهان همیشگی‌ام. سلامتی و موفقیتشان را از خداوند سبحان

خواهانم.

قدردانی

سپاس مخصوص خداوند مهربان که به انسان توانایی و دانایی بخشید تا به بندگانش شفقت ورزد. با سپاس فراوان از تلاش‌های دلسوزانه استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر حمید روستایی صدرآبادی و استاد محترم مشاور، دکتر محمدرضا رحمت که در تمام مراحل تحقیق، اینجانب را مورد لطف قرار داده و با راهنمایی‌های مدبرانه خود، کمک فراوانی مبذول داشتند؛ کمال تشکر و قدردانی را دارم.

جلسه دفاعیه پایان نامه تحصیلی آقای مهدی اسکندری دامنه دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق
جزا و جرم شناسیتحت عنوان " مبانی فقهی و حقوقی امحای کالای قاچاق " و تعداد واحد: ۴ در تاریخ
.....با حضور اعضای هیات داوران (به شرح ذیل) تشکیل گردید.

پس از ارزیابی توسط هیات داوران پایان نامه با نمره به حروف و درجه مورد
تصویب قرار گرفت.

عنوان نام و نام خانوادگی امضاء

استاد/استادان راهنما:

استاد/استادان مشاور:

داور :

داور :

نماینده تحصیلات تکمیلی دانشگاه (ناظر)

نام و نام خانوادگی:

امضاء

چکیده

قاچاق هر گونه فعالیت غیر قانونی در امر تجارت کالا به کشور و از کشور و همچنین به حبس و نگهداری آن کالا در داخل کشور است.

امحای کالای قاچاق یعنی نابود کردن کالاهایی که به صورت غیر قانونی و متقلبانه وارد کشور می‌شود. ورود کالای قاچاق به کشور جرم به حساب می‌آید و مهمترین هدف جرم انگاری آن رشد اقتصادی، حمایت از درآمد دولت، تولید داخلی، افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری، تامین امنیت عمومی و صیانت از بهداشت جامعه است.

در کشور ما امحای کالای قاچاق با خلاء قانونی مواجه است. علاوه بر آن فقهای معاصر نسبت به امحای کالای قاچاق با توجه به شرایط اقتصادی اختلاف نظر دارند چنان که یک نظر مبتنی بر باز صادر کردن آن است و یک نظر مبتنی بر امحای آن. تنها ماخذ امحای کالای قاچاق حکم حکومتی است که باز هم بین فقهای عظام مبنی بر اطاعت از حکم حکومتی اختلاف است چنان که عده ای قائل به وجوب اطاعت مطلق از حکم حکومتی هستند و عده ای قائل بر این هستند که حکم مذکور باید از جانب مجتهد جامع شرایط صادر گردد.

هدف از امحای کالای قاچاق با استناد به قاعده فقهی مصلحت و قاعده نفی سبیل و از همه مهمتر قاعده لاضرر در جهت کمک به تولید ملی و رسیدن به استقلال اقتصادی است. این تحقیق که از نوع اسنادی میباشد با روش توصیفی تحلیلی بدان پرداخته شده است.

کلیدواژگان: قاچاق، کالا، امحاء، منافع، فقه، حقوق

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
۱- مقدمه.....	۱
۲- شرح پایان نامه.....	۱
الف) تبیین موضوع و مسأله پژوهش.....	۱
ب) کلمات کلیدی.....	۲
ج) هدف از اجرا و کاربرد نتایج پژوهش.....	۲
د) سوال‌های پژوهش.....	۳
ه) فرضیه‌های پژوهش.....	۳
و) روش تحقیق و شیوه گردآوری اطلاعات.....	۳
۳) پیشینه پژوهش (کتاب، پایان‌نامه و مقاله).....	۳
۴) مراحل اجرای پروژه و زمان‌بندی (حداقل ۶ ماه).....	۴
فصل اول: مفاهیم و کلیات تحقیق.....	
۱-۱- مفاهیم.....	۶
۱-۱-۱- قاچاق.....	۶
۱-۱-۱-۱- مفهوم لغوی قاچاق.....	۶
۱-۱-۱-۲- مفهوم اصطلاحی قاچاق.....	۶
۱-۲-۱- کالا.....	۷
۱-۲-۱-۱- مفهوم لغوی کالا.....	۷
۱-۲-۱-۲- مفهوم اصطلاحی کالا.....	۸
۱-۳-۱- امحاء.....	۸
۱-۳-۱-۱- مفهوم امحاء.....	۸
۱-۴-۱- منافع.....	۹
۱-۴-۱-۱- مفهوم لغوی منافع.....	۹
۱-۴-۱-۲- مفهوم اصطلاحی منافع.....	۹
۱-۵-۱- فقه.....	۱۰
۱-۵-۱-۱- مفهوم لغوی فقه.....	۱۰
۱-۵-۱-۲- مفهوم اصطلاحی فقه.....	۱۰
۱-۶-۱- حقوق.....	۱۱
۱-۶-۱-۱- مفهوم لغوی حقوق.....	۱۱
۱-۶-۱-۲- مفهوم اصطلاحی حقوق.....	۱۲
۲-۱- کلیات.....	۱۳
۱-۲-۱- قاچاق کالا، پیشینه و اقسام قاچاق.....	۱۳
۱-۱-۲-۱- تعریف قاچاق کالا.....	۱۳

۱۴	۱-۱-۱-۲-۱- جرم انگاری قاچاق کالا
۱۴	۲-۲-۱- پیشینه قاچاق کالا
۱۶	۳-۲-۱- اقسام قاچاق کالا
۱۸	فصل دوم: مبانی امحای کالای قاچاق
۱۹	در آمد
۱۹	۱-۲- مبانی فقهی امحای کالای قاچاق
۱۹	۱-۱-۲- قرآن و سنت
۲۳	۲-۲-۱-۲- قاعده فقهی مصلحت
۲۳	۱-۲-۲-۱-۲- قاعده مصلحت در فقه عامّه
۲۳	۲-۲-۲-۱-۲- قاعده مصلحت در فقه امامیه
۲۴	۳-۱-۲- حکم حکومتی
۲۶	۱-۳-۱-۲- قلمرو حکم حکومتی یا ولایی
۲۷	۲-۳-۱-۲- مبانی حکم حکومتی
۲۷	۱-۲-۳-۱-۲- کتاب (قرآن)
۲۸	۲-۲-۳-۱-۲- سنت ائمه معصومین (ع)
۳۰	۳-۲-۳-۱-۲- مصالح و مفاسد اجرایی
۳۰	۳-۳-۱-۲- اقسام حکم حکومتی
۳۱	۴-۳-۱-۲- نقش مصلحت در حکم حکومتی
۳۲	۵-۳-۱-۲- اطاعت از حکم حکومتی
۳۳	۶-۳-۱-۲- هدف از حکم حکومتی
۳۳	۷-۳-۱-۲- تحلیل
۳۵	۴-۱-۲- قاعده نفی سبیل
۳۶	۱-۴-۱-۲- مفهوم سبیل
۳۶	۲-۴-۱-۲- مراد از نفی سبیل در قرآن و روایات
۳۶	۱-۲-۴-۱-۲- مراد از نفی سبیل در قرآن
۴۰	۲-۲-۴-۱-۲- مراد از نفی سبیل در روایات
۴۳	۳-۴-۱-۲- کاربرد قاعده نفی سبیل در امحای کالای قاچاق
۴۷	۵-۱-۲- قاعده لاضرر
۴۷	۱-۵-۱-۲- مفهوم لاضرر
۴۷	۲-۵-۱-۲- ادله لاضرر
۴۸	۱-۲-۵-۱-۲- لاضرر در آیات قرآن
۴۸	۲-۲-۵-۱-۲- لاضرر در سنت ائمه معصومین (ع)
۴۹	۳-۲-۵-۱-۲- لاضرر از منظر بنای عقلاء
۴۹	۴-۲-۵-۱-۲- تحلیل
۵۲	۶-۱-۲- دلیل امحای کالای قاچاق
۵۴	۷-۱-۲- هدف از امحای کالای قاچاق
۵۴	۱-۷-۱-۲- پیشگیری از توزیع دوباره کالای قاچاق در بازار داخلی،

۵۵	۲-۷-۱-۲- احیای تولید ملی و از بین رفتن انگیزه قاچاق
۵۶	۲-۲- مبانی حقوقی و استثنائات امحای کالای قاچاق
۵۶	۱-۲-۲- مبانی حقوقی امحای کالای قاچاق
۵۸	۲-۲-۲- استثنائات امحاء کالای قاچاق
۶۱	فصل سوم: احکام و آثار امحای کالای قاچاق
۶۲	۱-۳- احکام کالای قاچاق
۶۲	۱-۱-۳- احکام کالای قاچاق از دیدگاه فقهای معاصر
۶۲	۱-۱-۱-۳- مفهوم حکم، فتوی و تفاوت‌های آن
۶۳	۲-۱-۱-۳- حکم کالای قاچاق از دیدگاه فقهای معاصر
۶۳	۱-۲-۱-۳- دیدگاه حضرت آیت الله فاضل لنکرانی
۶۴	۲-۲-۱-۳- دیدگاه مقام معظم رهبری
۶۴	۳-۲-۱-۳- دیدگاه حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی
۶۵	۴-۲-۱-۳- دیدگاه محمد تقی علوی
۶۵	۳-۱-۳- حرمت معامله کالای قاچاق و در حکم غش بودن آن
۶۸	۴-۱-۳- تحلیل
۶۹	۵-۱-۳- حکم حکومتی امحای کالای قاچاق
۶۹	۱-۵-۱-۳- ریشه و خاستگاه حکم حکومتی امحای کالای قاچاق
۷۰	۶-۱-۳- مماشات در امحای کالای قاچاق
۷۲	۷-۱-۳- ضرورت امحای کالاهای قاچاق سلامت محور و ممنوعه
۷۳	۸-۱-۳- اما و اگرهای فروش یا بازصادرات کالای قاچاق
۷۴	۹-۱-۳- از بین رفتن انگیزه قاچاق کالا
۷۵	۲-۱-۳- وجود خلاءهای قانونی امحای کالای قاچاق
۷۶	۲-۲- آثار امحای کالای قاچاق
۷۶	۱-۲-۳- افزایش تولید ملی
۷۷	۲-۲-۳- قطع وابستگی و مصرف تولیدات داخلی
۷۹	نتایج و پیشنهادها
۷۹	نتایج
۸۰	پیشنهادها
۸۱	کتابنامه
۸۱	الف- منابع عربی
۸۵	ب- منابع فارسی
۸۷	ج- مقالات
۸۸	د- پایگاهها
۸۹	ه- نرم افزارها

۱- مقدمه

قاچاق اصطلاحاً آن چیزی است که ورود آن به کشور یا خروج آن از کشور یا معامله آن از طرف دولت ممنوع اعلام می‌شود. از واژه «ممنوع» می‌توان اصطلاح فعالیت غیر قانونی را برداشت نمود. علت قاچاق کالا در عدم شفافیت و بیثباتی و تغییرات مکرر آیین نامه های بازرگانی و سیاست‌های اقتصادی نادرست می‌باشد.

اما در خصوص امحای کالای قاچاق باید گفت که در کشور ما مقنن نسبت به این مقوله ساکت است و هنوز مصوبه ای از مجلس قانونگذاری بدان اختصاص نیافته است. در عین این که امحای کالای قاچاق به جهت حمایت از تولید ملی و رسیدن به استقلال اقتصادی امری ضروری به نظر می‌رسد. ضمانت اجرای امحای کالای قاچاق فقط حکم حکومتی است که برخی آن را مقید به مصلحت نموده اند برخی دیگر وجوب اطاعت از آن را مشروط بر حصول یقین بر عدم اشتباه چنین فقیه جامع الشرایطی نموده‌اند. به هر حال در حال حاضر خلاء قانونی و معضلات ناشی از ورود کالای قاچاق را می‌توان در قالب حکم حکومتی مبنی بر امحای کالای قاچاق به منظور افزایش تولید ملی، مصرف تولیدات داخلی و قطع وابستگی به بیگانگان در راستای رسیدن به رفاه و استقلال اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امری ضروری دانست.

۲- شرح پایان نامه:

الف) تبیین موضوع و مسأله پژوهش:

کالاهای قاچاق یکی از شایع ترین نشانه های اقتصاد بیمار در دنیا، از جمله ایران است. موضوع خرید و فروش کالاهای قاچاق از دیرباز مطرح بوده است. بیانات اخیر مقام معظم رهبری مبنی بر ضرورت به آتش کشیدن و امحای کالاهای قاچاق در ملأ عام و انظار عمومی در سال ۱۳۹۵ نشان از اهمیت بسیار بالای موضوع کالاهای قاچاق و شیوه برخورد با آنها را دارد. کالاهای قاچاق مکشوفه به کالاهای قاچاق ممنوع، مجاز و مجاز مشروط و یارانه‌ای و ارز تقسیم می‌شوند. در مورد ضرورت امحای کالاهای قاچاق ممنوع از قبیل مشروبات الکلی، مواد مخدر و کالاهای ضد اخلاقی اتفاق نظر وجود دارد چون غالباً مال

محسوب نمی شوند و لذا در مورد امحای سایر کالاهای قاچاق که مالیت دارند و افراد می توانند طبق قاعده تسلیط مالک آن ها شوند، اختلاف نظر وجود دارد.

با توجه به آثار مخربیتی که کالاهای قاچاق در حوزه های مختلف از جمله اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی به کشور ایران وارد آورده است، قانون گذار ایران را بر آن داشت تا پس از شروع قانون گذاری در ایران، پدیده قاچاق کالا و شیوه های برخورد با آن را در قوانین متعددی در یکصد سال گذشته مد نظر قرار بدهد.

هم چنین در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴ و آیین نامه اجرایی مواد (۵۵) و (۵۶) آن قانون نسبت به پدیده قاچاق کالا و سرنوشت کالاهای قاچاق راهکارهایی را پیش بینی کرده که می توان از جمله به امحای آن ها اشاره کرد.

بنابراین در این راستا بر آنیم تا ضمن تبیین ماهیت کالای قاچاق در نظام حقوقی و فقه امامیه به بررسی حکم امحاء آن ها از منظر فقه و منابع اصیل اسلامی بپردازیم. چرا که در کتب فقهی عنوان قاچاق نا شناخته است و جزء مسائل مستحدثه ای است که با توجه به آثار آن تحت شمول قواعد کلی فقهی قرار می گیرد. لذا بر آنیم با توجه به قواعد کلی فقهی نظیر لاضرر و نفی سبیل و... این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم. تا از این رهگذر ضمن تبیین ماهیت کالای قاچاق، حکم اولیه و ثانویه امحاء کالای قاچاق را مورد بحث و مذاقه قرار خواهیم داد.

ب) کلمات کلیدی:

فارسی: قاچاق، کالا، امحاء، منافع، فقه و حقوق.

انگلیسی: **Jurisprudence and Law interests. destroy, Goods, Smuggling.**

ج) هدف از اجرا و کاربرد نتایج پژوهش:

حمایت از تولید داخلی و اقتصاد ملی، به ثمر رساندن اهداف اقتصاد مقاومتی، جلوگیری از ورود ضرر انسانی و اقتصادی به مردم کشور، شکوفایی اقتصادی، ایجاد نظم و انضباط در اقتصاد داخل.

د) سوال‌های پژوهش:

سوال اصلی

۱- مبانی فقهی و حقوقی امحای کالای قاچاق چیست؟

سوال فرعی یک

امحای کالای قاچاق از منظر فقه چه حکمی دارد؟

سوال فرعی دو

خلأهای حقوق کیفری ایران در برخورد کالای قاچاق چیست؟

ه) فرضیه‌های پژوهش:

۱- قاعده‌های مصلحت، لاضرر، اکل مال بالباطل، نفی سبیل در فقه و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۹۲ از نظر قانونی امحای کالای قاچاق راتبیین می‌کنند ضمن آنکه حکم حکومتی اخیر رهبری می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

۲- امحای کالای قاچاق با توجه به قواعد فقهی مذکور در فوق جایز است خصوصاً با توجه به تقدیم مصلحت نوعی بر مصلحت فردی، می‌توان آن را پذیرفت.

۳- به نظر می‌رسد، نیاز به نظارت بیشتر و دقیق‌تر در گمرکات و مبادی ورودی و خروجی کشور و حمایت اقتصادی از مرزنشینان و مبارزه جدی با فساد و رانت از جمله خلأهای موجود در برخورد با کالای قاچاق می‌باشد که می‌توان با انجام تدابیر لازم، جلوی سودجویی قاچاقچیان کالا را گرفت و در صورت ورود کالای قاچاق به کشور و اضرار به اقتصاد کشور امحای آن کالا قابل توجیه خواهد بود.

و) روش تحقیق و شیوه گردآوری اطلاعات:

نوع تحقیق بنیادی و روش آن تحلیلی-توصیفی است.

۳) پیشینه پژوهش (کتاب، پایان‌نامه و مقاله):

۱. آقای علی رزمان در کتاب خود با عنوان «قاچاق کالا و ارز در نظام جزایی ایران» تهران، انتشارات قانون یار در سال ۱۳۹۵، به موضوع قاچاق کالا و ارز پرداخته و نقاط ضعف و قوت قوانین مربوط به آن را مورد

موشکافی، تحلیل و بررسی قرار می دهد اما به سرنوشت کالاهای قاچاق و امحای آن ها پرداخته نشده است. در این پژوهش به دنبال آنیم که با استناد به منابع فقهی و آموزه های دینی و همچنین قوانین موضوعه و مقررات قانونی، به تبیین ماهیت کالای قاچاق و بررسی حکم امحاء آن بپردازیم و با توجه به حجم زیاد و گسترش کالای قاچاق و مضرات آن به کشور، راهکارهای برخورد با کالاهای قاچاق را مورد بررسی قرار دهیم.

۲. آقای محمد فرزام در پایان نامه خود با عنوان « پاسخ های کیفری قانون گذار ایران در قبال قاچاق کالا و ارز با رویکرد قانون جدید» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، دوره کارشناسی ارشد و با راهنمایی استاد صابر افراسیابی در سال ۱۳۹۵، به بررسی مبانی و مفاهیم و نیز تحولات پاسخ های کیفری قانون گذار کشورمان در خصوص قاچاق کالا و ارز پرداخته است و در حالی که به موضوع امحای کالاهای قاچاق اشاره نشده است.

۳. آقای علی عبدالله پور در پایان نامه خود با عنوان « بررسی مبانی و مصادیق کالای قاچاق ممنوع با تاکید بر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دوره کارشناسی ارشد و با راهنمایی استاد سید رضا میری در سال ۱۳۹۵، به بررسی ایرادات تقنینی موجود در مواد قانونی و کاستی های قانون گذاری در زمینه مبارزه با قاچاق کالای ممنوع و جرایم مرتبط با آن در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون امور گمرکی و قوانین متفرقه پرداخته است. اما موضوع امحای کالاهای قاچاق مغفول مانده است.

۴) مراحل اجرای پروژه و زمان بندی (حداقل ۶ ماه):

۱- منبع یابی: ۱ ماه	۲- فیش برداری: ۲ ماه
۳- تحلیل و تدقیق داده ها: ۱ ماه	۴- ویرایش و تنظیم: ۲ ماه

فصل اول:

مفاهیم و کلیات تحقیق

۱-۱- مفاهیم

هرگاه بین دو چیز چنان وابستگی باشد که یکی متوقف بر دیگری باشد اولی را ذی المقدمه و دومی را مقدمه گویند. مثلاً ورود به دانشگاه برای ادامه تحصیل متوقف است بر موفقیت در کنکور ورودی که ورود به دانشگاه را ذی المقدمه و موفقیت در کنکور را مقدمه گویند. بنابراین تازمانی که مقدمات را فرا نگرفته باشیم و به طور مثال تعاریف و مفاهیم و معانی قاچاق، کالا، فقه و حقوق و نظایر آنها را به خوبی ندانیم و در عین حال از مبانی فقهی و حقوقی موضوع تحقیق اطلاع کافی نداشته باشیم امکان علم به این حقوق وجود ندارد. گزاره‌های علمی، معمولاً بر حسب اصطلاحات بیان می‌شوند، این اصطلاحات برای این که کافی باشند، باید دارای معانی مشخصی باشند تا اطمینان حاصل شود که گزاره‌های آنها مناسب، هستند و می‌توان آنها را در کار تحقیقی به کار برد. این نوشتار در صدد است تا قبل از پرداختن به اصل بحث مورد نظر، تعاریفی را در باب واژگان کلیدی ارائه دهد تا خواننده را با اصطلاحات این نوشتار همراه نماید و همین امر سبب شود تا درک بهتری از مطالب حاصل شود.

۱-۱-۱- قاچاق

۱-۱-۱-۱- مفهوم لغوی قاچاق

قاچاق کلمه‌ای ترکی است که از کلمه «قاچتماق» به معنای فراری دادن و گریزانیدن مشتق شده است و در لغت به معنای ربودن و پنهانی عمل کردن است. (عمید، ۱۳۳۷، ج ۲، ص ۵۳ و ۱۱) در فرهنگ لغت چنین آمده که واژه قاچاق مأخوذ از زبان ترکی به برده و ربوده می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۲۹) و همچنین به معنای تردستی نیز آمده است (معین، ۱۳۶۴، ذیل واژه قاچاق).

۱-۱-۱-۲- مفهوم اصطلاحی قاچاق

برخی از حقوقدانان گفته‌اند که قاچاق یعنی؛ ۱- حمل و نقل کالا از نقطه‌ای به نقطه‌ای بر خلاف مقررات مربوط به حمل و نقل به طوری که این عمل ناقض ممنوعیت یا محدودیتی باشد که قانون مقرر کرده است.

۱- داد و ستد و یا حفظکالای مضمون قاجاق.

۲- کالاهایی که مورد فعل قاجاق قرار گیرد نیز عنوان قاجاق را دارد. فاعل فعل قاجاق را قاجاقچی گویند.

جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ص ۵۱۰.

قاجاق «هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز می‌گردد و بر اساس این قانون یا سایر قوانین قاجاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد در مبادی ورودییا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف گردد». (بند الف ماده ۱ ق.م.ب.ق.ک.و.ا.۱۳۹۲).

فلذا به طور کلی می‌توان گفت که قاجاق اصطلاحاً آنچیزی است که ورود آن به کشور یا خروج آن از کشور یا معامله آن از طرف دولت ممنوع اعلام می‌شود. از واژه «ممنوع» می‌توان اصطلاح فعالیت غیر قانونی را برداشت نمود. پس به عبارتی می‌توان گفت که هر گونه فعالیت غیر قانونی در امر تجارت کالا به کشور و از کشور و همچنین به حبس و نگهداری آن کالا در داخل کشور قاجاق گفته می‌شود.

۱-۱-۲- کالا

۱-۱-۲-۱- مفهوم لغوی کالا

کالا در فرهنگ فارسی به معنی متاع و مال التجاره (عمید، ۱۳۳۷، ج ۱، ص ۱۰۵) و در لغتنامه به معنی رخت و اسباب آمده است (دهخدا، ۱۳۳۹، ج ۲۷، ص ۳۲).

اما کالا در لغت عرب به معنی سلعه می‌باشد. لغت شناسان نامیدر مورد سلعه چنین گفته‌اند که:

«السلعة: اسم يطلق على جميع الأمتعة: سلعه اسم است و بر همه کالاها اطلاق دارد». (عبدالرحمن، بی‌تا،

ج ۲، ص ۲۸۷).

یا اینکه گفته شده:

« [السَّلْعَةُ]: ما كان للتجارة: سلعه چیزی است که با آن تجارت می‌کنند. » (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۵،

ص ۳۱۵۲).

همچنین گفته شده:

«کل ما يتجر به. - عند المالکيه: هي رأس المال، غير العين من مقوم أو مثلی: هر آنچه که تجارت به وسیله آن صورت می‌گیرد- در نزد مذهب مالکيه سعه رأس المال است بدون عین قیمی یا مثلی». (سعدی، ۱۴۰۸، ص ۱۸۰).

در دانشنامه حقوق خصوصی سعه در لغت به معنای کالا آمده است. (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۰۹۰).

۱-۲-۲- مفهوم اصطلاحی کالا

سعه در اصطلاح فقهی به کالاهایی گفته می‌شود که با آن تجارت می‌کنند. با توجه به تعریف مزبور معلوم می‌شود که معنای اصطلاحی کالا از معنای لغوی آن دور نیفتاده و در واقع معنای لغوی و اصطلاحی آن یکی می‌باشد.

اما از منظر اقتصادی کالا اصطلاحاً محصولاتی که توسط تولید کننده در مقابل ثمن به بازار عرضه می‌شود و نیازهای انسان را تامین مینماید می‌باشد.

۱-۳-۱- امحاء

۱-۳-۱- مفهوم امحاء

امحاء در لغت از ریشه «محو» به معنی ازاله اثر، رفتن اثر و بردن اثر آمده است. چنان که گفته شده:

« المیم و الحاء و الحرف المعتل أصلٌ صحیح يدلُّ علی الذَّهاب بالشیء... و امَّحَى الشَّیءُ: ذهب أثره، «ابن فارس زکریا، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۳۰۲) و راغب در مفردات گفته: «المحو: ازاله الاثر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۶۲) همچنین در قاموس آمده: «محاء محیا: اذهب اثره» (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۲۴۱) و (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۹، ص ۶۲۳۷ و ۶۲۳۸).

بنابراین با توجه به معنایی که لغویون بیان داشته‌اند امحاء اصطلاحاً از بین بردن اثر چیزی می‌باشد.

۱-۱-۴- منافع

۱-۱-۴-۱- مفهوم لغوی منافع

منافع جمع منفعت از ریشه نفع به صورت‌های مختلفی از جانب لغت‌شناسان معنی شده به نحوی که برخی آن را به معنای خیر و خوبی دانسته‌اند چنان که گفته شده:

« النَّفْعُ: الْخَيْرُ وَهُوَ مَا يَتَوَصَّلُ بِهِ الْإِنْسَانُ إِلَى مَطْلُوبِهِ » (مقرئ فیومی، بیتا، ج ۲، ص ۶۱۸)

و برخی با استناد به آیه ۱۸۸ سوره اعراف که مقرر می‌دارد: « لَا أُمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا » گفته‌اند نفع در لغت به معنی خلاف ضرر، (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۶۳) است.

برخی دیگر گفته‌اند نفع خیری است که از نیکی‌ها به انسان می‌رسد:

« النَّفْعُ: خَيْرٌ مَا يُسْتَعَانُ بِهِ فِي الْوُصُولِ إِلَى الْخَيْرَاتِ، » (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۱۹)

برخی هم آن را با استناد به آیه ۱۱۹ سوره مائده « هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ » فایده و بهره معنی کرده‌اند. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۹۶).

۱-۱-۴-۲- مفهوم اصطلاحی منافع

در خصوص معنای اصطلاحی نفع برخی گفته‌اند: نفع اعیان اموال را منفعت گویند مانند نفع عین مورد اجاره. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۳۵۲۰)

اما در تعریف فقهی و حقوقی آن آمده که:

« منفعت سود و بهره‌مندی است که مطابق شرع و قانون به سود یک شخص نسبت به یک چیز، حق رخداد و یا تصرفی در نظر گرفته شده باشد. » (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۱۹۹۱).

برخی هم تنها به ذکر تفاوت ملک منفعت و ملک انتفاع پرداخته‌اند بدون این که تعریفی از منفعت بیان نمایند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۳۵۰۶)

به نظر می‌رسد بتوان در تعریف منفعت گفت که منفعت سودمندی نیکویا بهره‌مندی از ملک است که به طور تدریجی از اعیان حاصل می‌شود.

۱-۱-۵- فقه

۱-۱-۵-۱- مفهوم لغوی فقه

برخی از لغت شناسان گفته‌اند که؛

«فقه رسیدن به علم غایب با علم شاهد است. پس فقه، اخصّ از علم است و فقه، علم به احکام شریعت است. فِقَّةٌ یعنی فهمید و فِقْهَةٌ یعنی آن را فهمید. و تَفَقَّهٌ یعنی فقه را طلب کرد، پس در آن تخصص پیدا کرد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، صص ۶۴۲ و ۶۴۳).

بنابراین (فقه به کسر اول) به معنای فهمیدن است. در مصباح گفته: «الفقه: فهم الشیء» (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۹۷). عده‌ای از فقهاء گفته‌اند که فقه در لغت به معنای فهم است (شهید اول، بی تا، ج ۱، ص ۳۰). و (صاحب معالم، بی تا، ج ۱، ص ۹۰).

برخی از معاصرین گفته‌اند که؛ در صدر اسلام فقه بر یکی از دو معنای زیر اطلاق می‌شده است.

ا- فقه به معنای فهم مطلق، که این معنا در همان آیات و روایات به کار گرفته شده است.

ب- فقه به معنای بصیرت در دین، خواه این بصیرت در اصول دین باشد یا در فروع آن. گرچه این معنا بیشتر در اصول دین کاربرد داشته است. «شهابی، محمود، ۱۴۱۷، ج ۱، صص ۳۰-۳۱).

با این حال می‌توان گفت که فقه در دین در همان معنای لغوی آن کاربرد داشته و به کار رفته است که عبارت از فهمیدن و تفقه در دین به منظور فهم مسائل آن است.

۱-۱-۵-۲- مفهوم اصطلاحی فقه

فقه دانش بدست آوردن احکام شرعی فرعی اسلامی بهوسیله روش‌های معینی از منابع فقهاست (مشکینی، ۱۴۱۶، ص ۱۸۰).

فقهای متقدم نیز مفهوم اصطلاحی فقه را علم به احکام شرعی فرعی، از روی دلیل‌های تفصیلی آن دانسته‌اند. (صاحب معالم، بی تا، ج ۱، ص ۹۰).

اما برخی از فقهای معاصر گفته‌اند که:

«فقاہت در اصطلاح نوین شریعت، عبارت است از اینکه مجتهد ابزار استنباط را در منابع خاصی، و

پایه‌های شناخت همین مسائل به کار گیرد.» (جنّاتی، بی تا، ص ۴۷۲).